



# گسترش روابط با اروپای شمالی و شرقی؛ عاملی توازن بخش

یاسر نورعلی‌وند\*

## اشاره:

در دهه نخست خردادماه ۱۳۹۵، محمدجواد ظریف وزیر امور خارجه کشورمان در رأس یک هیئت سیاسی اقتصادی هفتاد نفره، سفر خود را به مقصد چهار کشور اروپای شمالی و شرقی؛ فنلاند، سوئد، لهستان و لتونی آغاز و در پایان این ماه با دیدار از نروژ، این سفر دوره‌ای را تکمیل کرد. نوشتار حاضر، از چند جنبه به بررسی این سفرها می‌پردازد؛ نخست اینکه، کشورهای مذکور از چه جایگاهی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران برخوردارند؛ دوم، برقراری و توسعه روابط دوجانبه چه فرصت‌ها و مزیت‌هایی را در اختیار سیاست خارجی کشور قرار می‌دهد؛ و سوم، اهداف و نتایج این سفرها چگونه ارزیابی می‌شود؟

## مقدمه

برای دهه‌هاست که سیاست خارجی ایران چه قبل و چه پس از انقلاب بر روی روابط با اروپای غربی متمرکز بوده است. نگاه یک‌جانبه و نامتوازن سیاست خارجی کشور به مناطق مختلف قاره اروپا به میزانی بوده است که گویی اروپا تنها به غرب این قاره و چند کشور قدرتمند آن خلاصه می‌شود. البته این بدان معنی نیست که ایران هیچگونه روابطی با سایر مناطق اروپا نداشته است، بلکه روابط موجود با سایر نقاط اروپا به ویژه اروپای شمالی و شرقی، علاوه بر اینکه هرگز از اهمیتی که

اروپای غربی برای ایران داشته برخوردار نبوده است، دست کم در حد توان و ظرفیت‌های دوجانبه نیز توسعه نیافته است. از این رو، نگاه به کشورهای اروپای شرقی و شمالی از سوی دستگاه دیپلماسی، نه تنها بیانگر توجه همه‌جانبه و متوازن سیاست خارجی این دولت به مناطق و حوزه‌های مختلف است، بلکه نشانگر نگاه نوین به اروپا و دوره جدیدی از جهت‌گیری و تحرکات دستگاه دیپلماسی کشور در قبال این منطقه در دوره پس‌اجرام است. از این رو، بررسی اهداف و دستاوردهای این سفرهای مهم نیازمند مطالعه و کنکاش است. برای این منظور، در این نوشتار، نخست در مورد جایگاه این کشورها در سیاست خارجی جمهوری اسلامی و سپس در مورد فرصت‌ها و مزیت‌های همکاری در روابط دوجانبه بحث خواهد شد و در نهایت نیز اهداف، نتایج و دستاوردهای این سفرها مورد بررسی قرار خواهد گرفت.



## جایگاه کشورهای شرقی و شمالی اروپا در سیاست خارجی ایران

کشورهای شرقی و شمالی اروپا در مقایسه با حوزه غربی و جنوبی این قاره، در دهه‌های گذشته از جایگاه به مراتب پایین‌تری در سیاست خارجی ایران برخوردار بوده‌اند. کالبدشکافی چرایی این مسئله ما را به دلایل چندگانه‌ای رهنمون می‌سازد. به عنوان دلیل نخست، پیش از هر دلیل دیگری، باید به روند تاریخی روابط و تأثیر تحولات نظام بین‌المللی بر آن نگریم. از این منظر باید گفت، کشورهای شرق اروپا تا پیش از فروپاشی نظام دوقطبی، به لحاظ قطب‌بندی ساختار نظام بین‌المللی در مجموعه بلوک شرق و زیر سیطره شوروی قرار داشته و از توان و استقلال کافی برای برقراری روابط دوجانبه با جهان خارج برخوردار نبودند. اگرچه این کشورها در دهه اول پس از انقلاب اسلامی، به دلیل مشابهت نظام‌های اقتصادی عمدتاً دولتی، مورد توجه ویژه جمهوری اسلامی ایران قرار گرفتند، اما روابط دوجانبه با این کشورها به دلایلی نظیر عدم اراده و توان کافی این کشورها، ظرفیت‌های اقتصادی و صنعتی پایین آنها در آن دوره و تمرکز سیاست خارجی ایران به جنگ با عراق، در سطح محدودی باقی ماند.

از آنجایی که فروپاشی بلوک شرق و رهایی این کشورها از سلطه کمونیسم، همزمان با به ثمر نشستن وحدت و همگرایی اروپای غربی در قالب تبدیل جامعه اروپایی به اتحادیه اروپا (پیمان ماستریخت در سال ۱۹۹۲) بود، کشورهای اروپای شرقی با در نظر گرفتن ملاحظات سیاسی-امنیتی و البته اقتصادی و همچنین ترس تاریخی آنها از همسایه بزرگ شرقی (روسیه)، به شدت تمایل خود را به همگرایی با غرب اروپا نشان دادند. ورود آنها به اتحادیه اروپا، مستلزم بازتعریف، دموکراتیک‌سازی، کارآمدسازی و نهادینه کردن نظام‌های سیاسی و اقتصادی‌شان بود که بیش از یک دهه به طول انجامید. بنابراین، در طول یک دهه بعدی - تا سال ۲۰۰۴ که ۱۰ کشور اروپای شرقی به عضویت اتحادیه اروپا درآمدند - با توجه به اینکه این کشورها در تلاش برای تعریف جایگاه خود در نظام و نهادهای اروپای غربی بودند، فرصت و توان چندانی را برای پرداختن به سیاست خارجی فرااروپایی و توسعه روابط دوجانبه خود با کشورهای خارج از اتحادیه اروپا نداشتند و در نتیجه این وضعیت در کنار تمرکز ایران بر بهبود روابط خود با کشورهای اروپای غربی،

از مهمترین عوامل محدودکننده در تحرکات دیپلماتیک فیما بین و بازدارنده در توسعه و گسترش روابط دوجانبه آنها با جمهوری اسلامی ایران در دهه دوم انقلاب محسوب می‌شود. متعاقباً در دهه سوم انقلاب، کشورهای شرق اروپا پس از اصلاحات در ساختارهای سیاسی و اقتصادی خود و دست یافتن به ثبات نسبی داخلی و الحاق به نهادهای اروپایی و یافتن فراخ بال از دل مشغولی‌های داخلی، تحرکات خود را برای توسعه روابط خارجی با جهان خارج آغاز کردند، اما با پیش کشیده شدن مسئله هسته‌ای ایران و تحریم‌های بین‌المللی و اروپایی ناشی از آن، انتظار چندانی نمی‌رفت تا کشورهای تازه وارد شرق اتحادیه اروپا، مستقل از سیاست خارجی واحد این اتحادیه در قبال چالش هسته‌ای ایران حرکت کرده و در راستای توسعه روابط خود با ایران برآیند

دلیل دیگر جایگاه نه چندان مطلوب حوزه اسکاندیناوی و شرق اروپا در سیاست خارجی ایران را باید در نگاه دستگاه دیپلماسی کشور در گذشته جستجو نمود. تجربه روابط گذشته با اروپا نشان می‌دهد که اصولاً کشورهای اروپای غربی نظیر آلمان، ایتالیا، فرانسه، انگلیس، به دلایل چندی همچون سوابق تاریخی و پیوند آنها با تاریخ معاصر ایران، جایگاه و توان سیاسی-اقتصادی آنها هم در سطح اتحادیه اروپا و هم در سطح نظام بین‌الملل، توان فنی و تکنولوژیک بالای آنها و همچنین نیازمندی‌های متقابل ایران در ابعاد صنعتی، اقتصادی، علمی و فرهنگی در مقایسه با شرق اروپا چه پیش و چه

دلیل بعدی به نوع نگاه ایران به اتحادیه اروپا به عنوان یک کل یکپارچه به ویژه پس از شکل‌گیری اتحادیه اروپا و عدم تفکیک حوزه‌ای میان کشورهای عضو آن و عدم توجه به بسترهای روابط دوجانبه با یک‌دیگر کشورهای عضو این اتحادیه بر می‌گردد. این درست است که اتحادیه اروپا در نتیجه روند همگرایی توانسته است به یک اتحادیه تبدیل شود و سیاست‌های اعضای خود را در قالب آن منسجم سازد، اما کماکان به سبب وجود ظرفیت حاکمیت ملی و منافع ملی اعضای آن، باید میان کشورهای شرقی، غربی، شمالی و جنوبی به تفکیک ظرفیت‌های سیاسی و اقتصادی و یا هر دوی آنها، در درون این کل به ظاهر یکپارچه تفاوت قائل بود و به همان اندازه‌ای که به روابط با اتحادیه اروپا به عنوان یک مجموعه اهمیت داده می‌شود، همچنان برای روابط دوجانبه نیز حساسیت به خرج داده شود. این در حالی است که نقش تعیین‌کننده کشورهای غرب اروپا در چارچوب اتحادیه اروپا و ضعف نسبی اقتصادی و فنی شرق اتحادیه در مقایسه با غرب آن، سبب شده است که اتحادیه اروپا در نگاه کلان سیاست‌گذاری خارجی کشور در کشورهای قدرتمند غربی این قاره خلاصه شود و روابط با اتحادیه اروپا نیز در چارچوب روابط با آنها تنظیم شود.

به طور کلی مجموعه این عوامل در کنار هم سبب شده است تا جایگاه اروپای شرقی و شمالی در تعاملات اقتصادی دوجانبه با ایران در نسبت با ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های اقتصادی و تجاری، بسیار کمتر از حد انتظار باشد.

### فرصت‌ها و مزیت‌های توسعه روابط با حوزه اسکاندیناوی و شرق اروپا

با توجه به اینکه کشورهای این حوزه از لحاظ سیاسی و توان تأثیرگذاری بین‌المللی در جایگاه بالایی قرار ندارند، فرصت‌های توسعه روابط با آنها را باید در حوزه اقتصادی جستجو کرد. از این زاویه، کشورهای شرق اروپا و حوزه اسکاندیناوی واجد ظرفیت‌های اقتصادی مطلوب، بهینه و قابل‌اعتنایی هستند. مزیت‌های موجود را می‌توان از چند جنبه مورد توجه قرار داد. نخست اینکه، در نتیجه پیوستن این کشورها به اتحادیه اروپا نه تنها توان فنی، سطح کیفی محصولات تولیدی و به طور کلی توانمندی اقتصادی آنها ارتقاء یافته است، بلکه این کشورها در چارچوب مقررات سخت‌گیرانه تولید در اتحادیه اروپا، ناگزیرند

پس از انقلاب، از جایگاه برتری برخوردار بوده و کشورهای حوزه اسکاندیناوی و شرق اروپا در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در درجات بعدی اهمیت قرار داشته‌اند.

از غلبه نگاه سیاسی در روابط دوجانبه جمهوری اسلامی ایران با اروپا پس از انقلاب اسلامی نیز باید به عنوان دلیل سوم یاد کرد. به سبب تفاوت‌های ایدئولوژیک در نوع نگاه جمهوری اسلامی ایران و غرب به نظام بین‌الملل و چالش‌های ناشی از آن، همواره ارجحیت‌های سیاسی بر روابط دوجانبه حاکم بوده و نقشی تعیین‌کننده داشته است. در این چارچوب، بیش از آنکه روابط اقتصادی در دوره‌های تنش‌زدایی گذشته با اروپای غربی منتج از یک دیپلماسی اقتصادی مستقل باشد، به عنوان ابزاری برای گشایش روابط سیاسی با کشورهای این حوزه مورد استفاده قرار گرفته است. در واقع، بهتر بودن روابط اقتصادی نسبت به روابط سیاسی در گذشته، به این دلیل بوده است که در نگاه کلان سیاست خارجی کشور، از روابط اقتصادی برای شکستن یخ روابط سیاسی با اروپای غربی استفاده شده است. در نتیجه در زمانی که روابط سیاسی در نتیجه یک تنش جدید تیره گشته، روابط اقتصادی نیز به شکل معناداری کاهش یافته است. این نگرش سبب شده است تا به دلیل تعیین‌کنندگی سیاسی محدود کشورهای شمالی و شرقی اروپا در مجموعه معادلات قدرت در این قاره، ظرفیت‌های اقتصادی‌شان نیز مورد غفلت و بی‌توجهی سیاست خارجی کشور قرار گیرد.

استانداردهای کیفی را در تولیدات خود لحاظ نمایند. این کشورها برای اینکه بتوانند در مقایسه با تولیدات غرب اروپا، از توان رقابتی کافی در عرصه خارجی برخوردار باشند، با قیمت نازل تری ارائه می‌شوند. از این رو، توسعه روابط اقتصادی با این کشورها، این امکان را برای ایران فراهم می‌کند تا کالاها و تولیداتی با کیفیت و استاندارد اروپایی، ولی با قیمت تمام شده پایین تر وارد سازد.

مزیت دوم، فاصله جغرافیایی کمتر آنها با ایران در مقایسه با کشورهای غرب اروپا است. بعد مسافت جغرافیایی همواره در روابط اقتصادی متغیر مهم و تأثیرگذاری بوده است. نزدیکی جغرافیایی این کشورها، امکان ترانزیت آسان تر کالا و حتی توسعه راه‌های حمل و نقل کالا از ایران به این کشورها و سپس سایر نقاط اروپا و به عکس را فراهم می‌نماید. همین مسئله، مزیت سوم را پیش روی دستگاه سیاست خارجی کشور قرار می‌دهد. نزدیکی جغرافیایی این کشورها به شرق، سبب شده است تا آنها از لحاظ فرهنگی قرابت بیشتری با ما داشته باشند و به همین دلیل تمایل و رغبت بیشتری برای دریافت کالاها و تولیدات داخلی ما از خود نشان دهند.

اما مسئله مهم تری که از آن باید به عنوان مزیت و فرصت چهارم یاد کرد، این است که کشورهای شمالی و شرقی اروپا در مقایسه با کشورهای غرب اروپا، چالش‌های سیاسی را پیش شرط توسعه روابط نمی‌دانند و کمتر آن را در روابط خود با ایران پیش می‌کشند. از نظر توسعه، پیوندهای اقتصادی با اروپای شرقی و شمالی برای ایران سودمند است و به نسبت برقراری ارتباط با غرب اروپا مسائل کمتری دارد. اگرچه این کشورها در چارچوب اتحادیه اروپا ملزم به رعایت برخی قواعد و مقررات اتحادیه هستند، اما به عنوان مثال، چالش حقوق بشر و یا آزمایش‌های موشکی در مقایسه با غرب اروپا کمتر دغدغه آنان بوده و کمتر به عنوان مانعی بر سر راه توسعه روابط اقتصادی نگریسته می‌شود. ضمن اینکه این کشورها در مقایسه با کشورهای غرب اروپا، از تنش‌های موجود در روابط ایران و آمریکا کمتر تأثیر پذیرفته و تا حدودی از حساسیت‌های این چینی در روابط فی‌مابین به دور هستند.

مزیت پنجم را باید در ساختار اقتصادی این کشورها دید. ساختار اقتصادی این کشورها به گونه‌ای است که تمایل زیادی برای اقتصاد

تهاتری و مبادله پایاپای کالا دارند. این مزیت فرصتی را در اختیار جمهوری اسلامی ایران قرار می‌دهد تا با توسعه روابط خود با این کشورها، در صورت اعمال تحریم‌های احتمالی در آینده، از مکانیسم آن بهره لازم را ببرد. علاوه بر این، مسئله دیگری که باید با آن به دیده فرصت ششم نگرست آن است که این کشورها، به ویژه کشورهای شرقی اروپا، به دنبال ارتقاء جایگاه سیاسی و اقتصادی خود در میان مجموعه کشورهای اتحادیه اروپا هستند. یکی از راه‌هایی که آنها برای دستیابی به این هدف در نظر گرفته‌اند، توسعه روابط فراروایی با جهان خارج، یافتن شرکای اقتصادی مطمئن و بالا بردن توان اقتصادی خود از طریق تجارت بین‌المللی است.

مزیت هفتمی که نباید از آن غافل بود، اهمیت توازن نسبی اقتصادی ایران با این کشورها (به ویژه کشورهای شرق اروپا) در مقایسه با قدرت‌های اقتصادی غرب اروپا است. در تعاملات اقتصادی، موازنه تجاری و توان رقابتی کمی و کیفی میان دو طرفی که قصد توسعه روابط دارند، بسیار حائز اهمیت است. از این منظر، اقتصاد ایران در مقایسه با کشورهای حوزه غرب اروپا، از توان موازنه‌سازی و رقابت بیشتری هم از لحاظ کمی و هم از جنبه کیفی با شرق و حتی شمال اروپا برخوردار است. این مسئله کمک خواهد کرد که کشور در توسعه روابط خود با این مناطق به یک واردکننده صرف تبدیل نشود و بتواند محصولات خود را به آنها عرضه کرده و موازنه تجاری لازم را به نفع اقتصاد کشور برقرار سازد. اگر کشورهای اروپای شرقی و شمالی مرکز تولید دارو،

و چگونگی گسترش روابط همه جانبه میان ایران و این کشورها پرداخت. مهمترین هدف هیئت ایرانی از این سفر دوره‌ای را باید توسعه روابط اقتصادی و بازرگانی دوجانبه دانست، کما اینکه همراهی تیم اقتصادی و بازرگانان با وزیر امور خارجه در این سفرها بر این امر صحنه می‌گذارد.

اولین مقصد سفر دوره‌ای دکتر ظریف، ورشو پایتخت لهستان بود. لهستان تنها کشور عضو اتحادیه اروپا است که توانست از رکود حاصل از بحران مالی جهانی در امان بماند و امروزه هشتمین اقتصاد بزرگ اتحادیه اروپا به حساب می‌آید. در چشم‌انداز راهبردی این کشور، بهبود تجارت با دیگر کشورها مورد توجه ویژه قرار گرفته تا از این طریق بتواند روند توسعه خود را سرعت بخشد و در دهه آینده سریع‌ترین رشد اقتصادی در اتحادیه اروپا را داشته باشد. در این چارچوب، توسعه روابط دوجانبه با جمهوری اسلامی ایران در دوره پس‌اجرام برای لهستان یک فرصت به حساب می‌آید. در دیدار ظریف با ویتولد واشچیکوفسکی وزیر خارجه لهستان، سند یادداشت تفاهم مشترک رایزنی‌های سیاسی دو کشور به امضا رسید. سند مذکور در واقع، تمهیدات و زمینه‌هایی را برای همکاری‌های منظم‌تر و کامل‌تر دو کشور در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی فراهم می‌کند.

همچنین در حاشیه اجلاس مشترک اقتصادی ایران و لهستان، اتاق‌های بازرگانی دو کشور با حضور وزیر امور خارجه کشورمان، تفاهم‌نامه مشترک بازرگانی امضا کردند. به طور کلی، بر اساس آمارهای ارائه‌شده از سوی گمرک کشور، ارزش کل صادرات ایران به لهستان در سال ۹۰ معادل ۱۶ میلیون و ۱۰۰ هزار دلار، در سال ۹۱ معادل ۱۹ میلیون و ۸۰۰ هزار دلار، در سال ۹۲ معادل ۱۶ میلیون و ۴۰۰ هزار دلار و در سال ۹۳ معادل ۲۰ میلیون و ۵۰۰ هزار دلار کالا به لهستان صادر کرده است. در سال ۹۴، ارزش کل واردات ایران از لهستان نیز ۲۹ میلیون و ۳۰۰ هزار دلار بوده است که بسیار پایین‌تر از ظرفیت‌ها و پتانسل‌های موجود در روابط دو طرف است. وضعیت یک دهه تجارت ایران با لهستان که بر اساس آمارهای رسمی گمرک ایران تهیه شده است، به صورت نمودار زیر است.

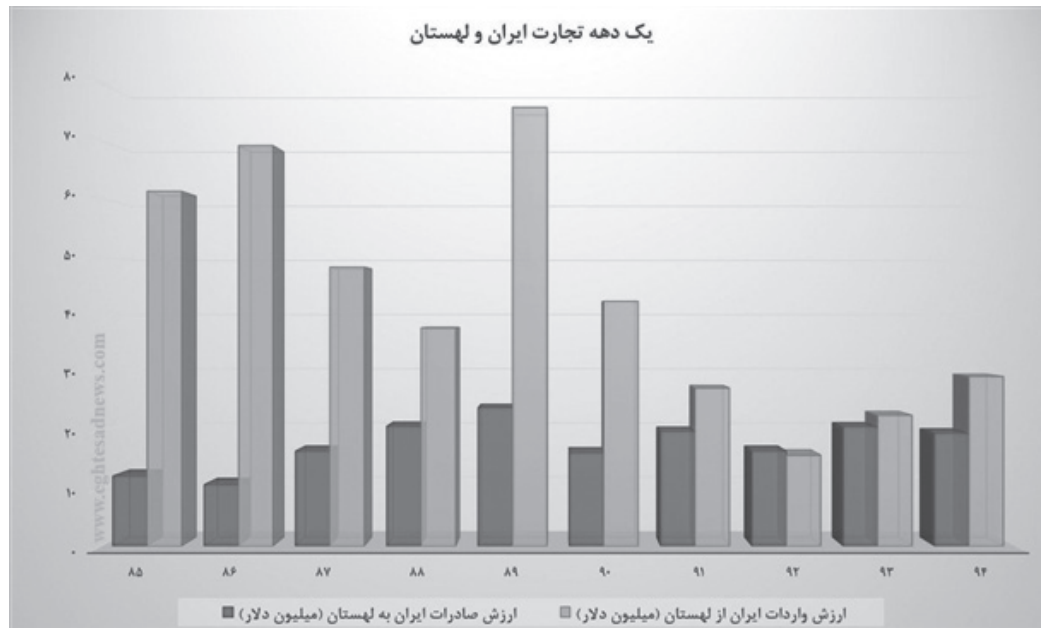
فنلاند دومین کشوری بود که ظریف و هیئت همراه ایرانی از آن دیدار کردند. فنلاند یکی از ثبات‌ترین اقتصادهای حوزه یورو به

صنایع مکانیزاسیون کشاورزی، تجهیزات پزشکی و دندان‌پزشکی، صنایع ریلی، مواد اولیه شیمیایی، کود و بذر و سموم شیمیایی بوده و در زمینه فناوری اطلاعات نیز دارای توانمندی‌هایی هستند، ایران نیز در زمینه انرژی و محصولات پتروشیمی، فولاد، سیمان و صنایع سنگ ساختمانی دارای توانمندی‌های درخور توجهی است که از ظرفیت فروش بالایی در این مناطق برخوردار است. فرصت هشتمی که می‌توان آن را در اروپای شرقی جستجو کرد، حوزه انرژی است. کشورهای شرقی و مرکزی اروپا به سبب وابستگی بالا به تأمین انرژی از روسیه، به دنبال تنوع‌بخشی به مبادی ورودی انرژی خود هستند. تجربه بحران اوکراین و امکان بالا گرفتن تنش‌ها میان ناتو و روسیه و گرایش شدید این کشورها به ناتو برای تأمین امنیت خود در قبال تهدید روسیه - که همین حالا نیز نشانه‌های آن خود را نشان می‌دهد - ممکن است امنیت انرژی شرق و کل اروپا را با مخاطره همراه سازد. برای این کشورها گزینه مناسب‌تر و بهتری از ایران به ویژه در حوزه تأمین گاز وجود ندارد و مقامات سیاست‌گذاری کشور می‌باید در بلندمدت نیم‌نگاهی به این فرصت نیز داشته باشند.

### توسعه روابط در دوره پس‌اجرام

وزیر امور خارجه کشورمان در جریان سفرهای فشرده خود، دیدارهای متعددی با مقامات عالی‌رتبه کشورهای فنلاند، سوئد، نروژ، لهستان و لتونی داشت و به بحث و تبادل نظر پیرامون راه‌های توسعه روابط اقتصادی و مسائل مهم منطقه‌ای و بین‌المللی





صاحب چند مجموعه سرمایه گذاری است، پرداخت. به هر حال، با وجود این سفر و متقابلاً حضور هیئت‌های تجاری سوئدی پس از توافق هسته‌ای در ایران، در سال‌های گذشته حجم تجارت ایران با سوئد بسیار محدود بوده است. چنان‌که آمارهای موجود نشان می‌دهد که حجم واردات از کشور سوئد حدود پنج برابر و ارزش آن حدود ۱۵ برابر صادرات ایران به این کشور است. به طوری که در سال ۱۳۹۴، ۱۳ هزار و ۷۲۲ تن کالا به ارزش ۲۰۸ میلیون و ۴۵۸ هزار دلار از سوئد وارد و در مقابل ۲ هزار و ۷۶۴ هزار تن به ارزش ۱۳ میلیون و ۹۱۵ هزار دلار کالا به این کشور صادر شده است. گفتنی است که در سال ۲۰۰۵، جمهوری اسلامی ایران از فهرست ۳۰ کشور مهم صادرکننده کالا به سوئد خارج شده است؛ این جایگاه در سال ۲۰۰۳ و ۲۰۰۴ به ترتیب در ردیف‌های ۲۱ و ۲۸ بوده است. در دو سه سال گذشته، نه تنها اختلاف تراز تجاری میان ایران

شمار می‌آید. مهم‌ترین ویژگی اقتصادی این کشور، برخورداری از آخرین فناوری روز جهان است. واقعیت این است که ایران و فنلاند روابط عمیق و گسترده اقتصادی و تجاری با یکدیگر ندارند. فنلاند در سال ۹۴، در میان شرکای تجاری ایران در زمینه صادرات به ایران در رتبه ۳۲ قرار داشته است. بررسی‌های آماری از تجارت ۹۹ میلیون و ۳۰ هزار دلاری ایران و فنلاند روشن می‌سازد که تراز تجاری ما با این کشور بسیار منفی و ناامیدکننده است. آن‌گونه که آمارهای ارائه شده از سوی گمرک جمهوری اسلامی ایران نشان می‌دهد، سال گذشته ۱۰ هزار و ۵۷۶ تن کالا به ارزش ۹۸ میلیون و ۴۳۶ هزار دلار از کشور فنلاند وارد ایران شد. این درحالی است که حجم صادرات صورت گرفته به این کشور تنها ۱۵۵ تن به ارزش ۵۹۴ هزار دلار بوده است. با وجود این، به نظر می‌رسد که با سفر هیئت بلندپایه تجاری فنلاند به ایران در سال گذشته - که در آن بیش از ۱۰۰ نفر از گروه‌های مختلف سیاسی، تجاری و اقتصادی این کشور حضور داشتند - و به دنبال آن سفر اخیر وزیر امور خارجه ایران به این کشور، فصل جدیدی از روابط اقتصادی در دوران پساتحریم آغاز شود.

سوئد سومین کشور مقصد هیئت ایرانی بود. اهمیت دیپلماسی اقتصادی در این سفرها برای دستگاه دیپلماسی کشوری در حدی بود که ظریف پیش از دیدار با نخست‌وزیر سوئد، به ملاقات و رایزنی با «یاکوب والنبرگ» یکی از شخصیت‌های پرنفوذ اقتصادی سوئد که

| نام کشور | ارزش واردات (تن) | ارزش صادرات (تن) | ارزش واردات (هزار دلار) | ارزش صادرات (هزار دلار) |
|----------|------------------|------------------|-------------------------|-------------------------|
| فنلاند   | ۱۰۵۷۶            | ۱۵۵              | ۹۸۴۳۶                   | ۵۹۴                     |
| سوئد     | ۱۳۷۲۲            | ۳۷۶۴             | ۲۰۸۴۵۸                  | ۱۳۹۱۵                   |
| لهستان   | ۳۶۲۸             | ۵۴۵۳             | ۲۹۴۳۱                   | ۱۹۵۹۴                   |
| لتونی    | --               | ۱۲۳              | --                      | ۲۳۱                     |
| جمع کل   | ۲۷۹۲۶            | ۸۴۹۵             | ۳۳۶۳۲۵                  | ۳۴۳۳۴                   |

به طور کلی با توجه به تفاهم‌نامه‌ها و قراردادهایی که در این سفرها منعقد شده است، انتظار می‌رود که جهش چشم‌گیر و مثبتی در حجم روابط دوجانبه اقتصادی میان ایران و کشورهای مذکور رخ دهد. به طوری که به گفته محسن جلال‌پور رئیس اتاق بازرگانی ایران، فعالان بخش خصوصی دو کشور فنلاند و لهستان در دیدارهای صورت گرفته یادداشت تفاهم و قراردادهایی به ارزش یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار امضا کردند که برخی از این اسناد در قالب تفاهم‌نامه و برخی نیز در قالب قرارداد است. همچنین بنا به گفته محمدرضا انصاری نائب رئیس اتاق بازرگانی ایران، در این سفر، بخش خصوصی در حدود ۳ میلیارد دلار با سایر شرکت‌ها توافق کرده‌اند که البته بخشی از آن منوط به تبدیل تفاهم‌نامه‌های همکاری به قرارداد است.

به عنوان یک جمع‌بندی در پایان این بخش باید گفت که سفر وزیر امور خارجه ایران به ۵ کشور حوزه اسکاندیناوی و شرق اروپا با اهداف و دستاوردهایی به انجام رسیده است. نخست، همانطور که پیش از این نیز عنوان شد، سطح پایین روابط دوجانبه میان ایران و کشورهای شرقی و شمالی اروپا در دهه‌های گذشته سبب شده است تا محیط و بازارهای اقتصادی دوطرف برای فعالان و سرمایه‌گذاران اقتصادی یکدیگر ناشناخته باشد. از این رو می‌توان گفت، نخستین و زیربنایی‌ترین هدف این سفرها از سوی دستگاه دیپلماسی کشور معرفی بازارها و فرصت‌های اقتصادی دو طرف به یکدیگر است که

و سوئد به بیشترین حد خود رسید، بلکه مبادلات تجاری دو کشور نیز از بیش از ۱۰ میلیارد کرون به یک چهارم یعنی حدود دو و نیم میلیارد کرون رسیده است.

چهارمین و آخرین کشور مقصد هیئت ایرانی در دور نخست سفرهای خردادماه، لتونی بود. این کشور در کنار جمهوری‌های استونی و لیتوانی سه کشور حوزه بالتیک را تشکیل می‌دهند. جمهوری لتونی عضو اتحادیه اروپا و سازمان آتلانتیک شمالی (ناتو) است و از ابتدای سال ۲۰۱۴ به حوزه یورو هم پیوسته است. اگرچه شرکت‌های لتونیایی علاقه بسیاری برای ورود به بازار ایران دارند، اما این کشور تجارت چندان مناسبی با ایران نداشته است زیرا شرکت‌های تجاری و بازرگانی این کشور به صورت عملی با بازار ایران آشنایی ندارند. چنانکه حجم تجارت خارجی دو کشور در سال گذشته ۱۲۳ تن به ارزش ۲۳۱ هزار دلار بوده که بیشتر مربوط به صادرات ایران به این کشور است.

وزیر امور خارجه کشورمان سفرهای خود به حوزه اسکاندیناوی را با سفر به نروژ در روزهای پایانی خردادماه تکمیل کرد. اگرچه سفر ظریف به نروژ با هدف شرکت در اجلاس اسلو فروم در خصوص مسائل جهانی و منطقه‌ای به ویژه بحران سوریه و عراق و وضعیت منطقه بود، اما وی در اولین مرحله از برنامه سفرش با «بورگه برنده» هم‌تای نروژی خود در خصوص روابط دوجانبه و همکاری‌های سیاسی، اقتصادی و بانکی دو کشور نیز گفت‌وگو و رایزنی کرد. جدول زیر میزان واردات و صادرات ایران و کشورهای فوق‌الذکر را در سال گذشته به تصویر می‌کشد.

دیپلماسی اقتصادی وزارت خارجه و نقش مهم آن در عمل به اقتصاد مقاومتی است. در واقع، جهت گیری دیپلماسی اقتصادی کشور در دوره پسابرجام با توجه به تأکید بر اقتصاد مقاومتی، گسترش روابط اقتصادی با جهان خارج و توسعه و تعمیق روابط دوجانبه در سطحی است که هم با سرمایه گذاری های صورت گرفته پایه های اقتصاد کشور مستحکم شود و هم در صورت انگیزه برای تحریم احتمالی مجدد در آینده، آسیب پذیری متقابل و دوجانبه به میزانی باشد که نقش بازدارنده ای را ایفا نماید. از این رو، کشورهای شرقی و شمالی اروپا با توجه به مزیت های ذکر شده در بخش دوم این نوشتار می تواند نقش مهمی در این جهت گیری داشته باشد.

نباید از این نکته غفلت کرد که در شرایط کنونی که همگرایی اروپا به واسطه بحران اقتصادی اخیر، بحران پناهجویان، رشد احزاب افراطی راست گرا و تهدید تروریسم و مسئله خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا متزلزل شده است، اعضای اتحادیه اروپا فرصت بیشتری برای بروز گرایش های ملی گرایانه یافته اند و سیاست های ملی در قیاس با سیاست های فراملی در چارچوب اتحادیه، بیش از گذشته فرصت ظهور یافته و فضا برای توسعه و تحکیم روابط دوجانبه بازتر است. در این چارچوب، جمهوری اسلامی ایران می تواند در نقش یکی از کشورهای هدف، در جهت توسعه روابط اقتصادی خود با آنان گام بردارد. از این رو، پیشنهاد می شود که علاوه بر گسترش این دیپلماسی اقتصادی به سایر کشورهای شرقی اروپا، دامنه این تعاملات به حوزه جنوبی اروپا نیز کشیده شود.

به نظر می رسد به واسطه نشست های فعالان اقتصادی بخش خصوصی دو طرف، درک و شناخت بهتری از ظرفیت های موجود همکاری فی مابین حاصل شده باشد. دومین هدف مهم این سفرها را می توان تلاش برای تقویت و بهبود بخش خصوصی در اقتصاد کشور دانست. به طوری که ظریف در بدو ورود خود به ورشو بر این امر صحه می گذارد: «مهمترین برنامه ما در حال حاضر حمایت از بخش خصوصی است. معتقدیم این بخش موتور اقتصاد کشور و روابط دوجانبه با دیگر کشورهاست. در این سفر هم با حضور نمایندگان بخش خصوصی ایران این پیام را به کشورهای میزبان ما به ویژه داریم منتقل می کنیم که برای توسعه روابط، توجه ویژه ما به این حوزه بوده و به عنوان یک سیاست اصولی ایران است». توافق ۳ میلیارد دلاری بخش خصوصی با طرف های مقابل به عنوان یک دستاورد قابل توجه، خود نشان از تمرکز جدی بر این هدف دارد.

علاوه بر این، در دیدارهای انجام گرفته، جدا از هدف گذاری برای تقویت بخش خصوصی و رایزنی برای امضای توافقنامه همکاری در زمینه های مختلف، تلاش هایی نیز برای از میان بردن نگرانی شرکت ها و بانک های بزرگ اروپایی در زمینه همکاری و شراکت مالی با ایران در دوره پسابرجام انجام گرفت؛ بنگاه هایی که برخی از آنها در جریان تحریم های هسته ای علیه ایران به اتهام دور زدن تحریم ها با جریمه سنگینی تنبیه شده بودند. صرف نظر از نگرانی بانک ها و شرکت های غربی در برقراری ارتباط مجدد با ایران، یکی دیگر از مهمترین مشکل های پیش روی همکاری خارجی و ارتباط های اقتصادی و مالی ایران با جهان، ممنوعیت انجام معامله از طریق دلار است که در این زمینه نیز گفتگو هایی برای چگونگی مرتفع کردن آن انجام گرفت.

### نتیجه گیری

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نسبت به اروپای شرقی و شمالی پس از سه دهه، شاهد نگاهی نو است که باید آن را به فال نیک گرفت و نسبت به تکوین و تقویت آن اقدام کرد. سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوره کوتاه پسابرجام، از طریق گسترش کم سابقه روابط با حوزه های جغرافیایی جدید در اروپا، نشان داد که در تنظیم روابط خارجی خود، نه تنها در کل جهان به دنبال توازن سازی است، بلکه این توازن سازی را در درون اروپا نیز دنبال می کند و روابط ایران در دوره جدید تنش زدایی تنها منحصر به غرب اروپا نخواهد بود. علاوه بر این، توجه به کشورهای اروپای شرقی و شمالی و تمرکز بر توسعه روابط اقتصادی با این کشورها به معنی فعال کردن بخش

